آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۴۴۰
یکشنبه
۱۴۰۱•۰۹•۲۰
۱۶ جمادی‌الاولی ۱۴۴۴/ ۱۱ دسامبر ۲۰۲۲

حسین انصاری‌راد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

حاکمیت اجازه بدهد اصلاح‌طلبان وساطت کنند

- اصلاح‌طلبی به معنای متداول از بین رفته است
- اصلاح‌طلبی معنای خود را از دست داده است
- دست غرب برای مصالحه با جمهوری اسلامی دراز است
- عقب‌نشینی‌های اصلاح‌طلبان جامعه را نسبت به آنها مأیوس کرده است
- اصلاح‌طلبان در بحران کنونی وساطت کنند

آرمان ملی- احسان انصاری: اصلاح‌طلبان چگونه می‌توانند در عبور کشور از شرایط کنونی نقش ایفا کنند؟ آیا حاکمیت چنین اجازه‌ای به اصلاح‌طلبان خواهد داد؟ مهم‌ترین راهکارها برای عبور از شرایط کنونی چیست؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با حجت‌الاسلام حسین انصاری‌راد، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت‌وگو کرده است. انصاری‌راد معتقد است: در شرایط کنونی حاکمیت باید از جریان‌های سیاسی برای حل مشکلات کشور و عبور از بحران‌ها کمک بگیرد. به هر حال اتفاقاتی که در ماه‌های گذشته در کشور رخ داده از نظر داخلی و خارجی برای حاکمیت هزینه ایجاد کرده است. همه دولت‌ها تمایل دارند میزان مشروعیت و مقبولیت بیشتری در بین مردم داشته باشند و جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. به همین دلیل حاکمیت باید از هر فرصتی که می‌تواند شرایط را بهتر کند و کشور را به سمت آرامش رهنمون کند استفاده کند. در چنین شرایطی واسطه‌ای به نام اصلاح‌طلبان می‌تواند به شرایط موجود کمک کند و شرایط حاکمیت و کشور را به سمتی ببرد که حاکمیت هزینه‌های کمتری متحمل شود. در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

اصلاح‌طلبان چگونه می‌توانند به برون رفت کشور از شرایط کنونی کمک کنند؟

واقعیت این است که اصلاح‌طلبی به معنای متداول دیگر از بین رفته است. اصلاح‌طلبی به معنای اینکه در جامعه دارای پایگاه بودند و می‌توانستند در مناسبات قدرت تأثیرگذار باشند دیگر معنای خود را از دست داده و این پایگاه از بین رفته است. اینکه فکر کنیم مردم دیگر به حرف اصلاح‌طلبان گوش می‌دهند منتفی است و با واقعیت‌های موجود در جامعه همخوانی ندارد. در گذشته اصلاح‌طلبان نسبت به برخی مسائل عقب نشینی‌هایی انجام دادند که جامعه را نسبت به آنها مأیوس کرده است. به همین دلیل امروز دیگر اصلاح‌طلبی کارکرد خود را از دست داده است. در شرایط کنونی اصلاح‌طلبان می‌توانند به عنوان کارشناس و دلسوز در مدیریت بحران به کشور کمک کنند. این وضعیت تنها مختص به اصلاح‌طلبان نیست و بقیه جریان‌های فکری و سیاسی کشور را نیز در برمی‌گیرد. ممکن است احزاب اصلاح‌طلب مانند کارگزاران سازندگی و اتحاد ملت وجود داشته باشند و به فعالیت‌های سیاسی خود به نام اصلاح‌طلبی ادامه بدهند. با این وجود پایگاه اجتماعی ندارند و در جامعه نقش تعیین کننده‌ای ندارند. با این وجود در شرایط کنونی اصلاح‌طلبان می‌توانند در حل بحران کنونی کشور وساطت کنند. حاکمیت نیز باید اجازه بدهد این اتفاق رخ بدهد و زمینه را برای وساطت اصلاح‌طلبان فراهم کند. در مرحله نخست لازم است اصلاح‌طلبان در زمینه برون رفت از شرایط کنونی به یک جمع بندی برسند.

> اصلاح‌طلبان باید اصلاح‌طلبی و مطالبه‌گری کنند و این موضوع باید در دستور کار اصلاح‌طلبان قرار داشته باشد. اصلاح‌طلبان باید در مسیری گام بردارند که مورد درخواست مردم است

آیا شرایط برای وساطت اصلاح‌طلبان فراهم است؟ آیا حاکمیت تمایل دارد زمینه را برای وساطت اصلاح‌طلبان فراهم کند؟

حاکمیت باید از جریان‌های سیاسی برای حل مشکلات کشور و عبور از بحران‌ها کمک بگیرد. به هر حال اتفاقاتی که در ماه‌های گذشته در کشور رخ داده از نظر داخلی و خارجی برای حاکمیت هزینه ایجاد کرده است. هر حکومتی تمایل دارد میزان مشروعیت و مقبولیت بیشتری در بین مردم داشته باشد و جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. به همین دلیل حاکمیت باید از هر فرصتی که می‌تواند شرایط را بهتر کند و کشور را به سمت آرامش رهنمون کند استفاده کند. در چنین شرایطی واسطه‌ای به نام اصلاح‌طلبان می‌تواند به شرایط موجود کمک کند و شرایط حاکمیت و کشور را به سمتی ببرد که حاکمیت هزینه‌های کمتری متحمل شود. ادامه این وضعیت نه به سود کشور است و نه حاکمیت. به هر حال در شرایط کنونی افرادی از هر دو طرف کشته شده‌اند و خانواده‌هایی داغدار و عزادار شده‌اند. در طول سال‌های گذشته کشور هزینه‌های زیادی به دلیل اشتباهات مدیریتی داده است. اقتصاد، فرهنگ و آسیب‌های اجتماعی در سال‌های گذشته وضعیت خوبی نداشته است. این وضعیت باعث شده مردم امروز نسبت به وضعیت مدیریت کشور و زندگی خود رضایت درونی نداشته باشند و به همین دلیل نیز مجبور شده‌اند نارضایتی‌های خود را در خیابان‌ها بیان کنند. دست غرب برای مصالحه دراز است. این وضعیت برای کشورهای شرقی نیز وجود دارد. ایران باید با آنها رابطه اقتصادی برقرار کند. نکته مهمی که درباره اعتراضات اخیر وجود داشت این بود که اگر برجام به نتیجه رسیده بود و وضعیت اقتصادی کشور بهتر شده بود اعتراضات شکل نمی‌گرفت.

> ایران دارای منابع متعدد طبیعی و سرمایه عظیم انسانی است و کشور فقیری به شمار نمی‌رود. در نتیجه وضعیت زندگی مردم ثروتمندی مانند ایران نباید چنین باشد که به‌سختی دغدغه‌های معیشتی خود را مرتفع کنند

مسائل سیاست خارجی و به نتیجه نرسیدن برجام به چه میزان در اوضاع کنونی کشور نقش داشته است؟

ما باید این نکته را در نظر داشته باشیم که سیاست یکجانبه گرایی در عرصه بین‌المللی به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. اینکه ما تلاش کنیم تنها با کشورهای شرقی مراوده اقتصادی داشته باشیم و از کشورهای غربی دوری کنیم نتیجه بخش نیست. موضوع برجام یکی از راه‌هایی است که می‌توانست مشکلات سیاست خارجی ما را کاهش بدهد. این در حالی است که به اندازه‌ای در تصمیم‌گیری در این زمینه تأخیر صورت گرفت که تاکنون به نتیجه نرسیده است. این در حالی است که مدت‌ها پیش می‌توانست به نتیجه برسد و کشور از وضعیت تحریم خارج شود. متأسفانه برخی سوءمدیریت‌ها اجازه نداد این اتفاق رخ بدهد و در شرایط کنونی به جای اینکه تحریم‌های بین‌المللی کاهش پیدا کند در زمینه‌های مختلف افزایش نیز داشته است. امروز برخی در داخل کشور به شرق تکیه کرده و با غرب دشمنی می‌کنند. این وضعیت یکی از عواملی است که برای کشور چالش ایجاد کرده است. سیاست خارجی باید مورد تجدیدنظر قرار بگیرد. امروز روسیه در وضعیت تحریم قرار دارد و چیزی هم ندارد که به ما بدهد. تنها چیزی که دارد نفت و گاز است که در این زمینه نیز رقیب ایران به شمار می‌رود. به همین دلیل باید برجام به سرانجام برسد تا بتوانیم نفت و گاز خود را بفروشیم و از سوی دیگر بتوانیم از تکنولوژی غرب استفاده کنیم. ایران باید با کشورهای جهان به مصالحه زندگی کنیم. ما در گذشته در برخی سیاست‌های خود اشتباه کرده‌ایم. همه دولت‌ها اشتباهاتی دارند و این وضعیت طبیعی است. با این‌وجود نکته مهم این است که باید درک کنیم و بپذیریم که در برخی زمینه‌ها اشتباه کرده‌ایم تا بتوانیم آن را اصلاح کنیم. به‌عنوان‌مثال ما در برخی رویکردها در عرصه بین‌المللی اشتباه کرده‌ایم و در مسیری حرکت کرده‌ایم که امروز در این نقطه ایستاده‌ایم. ایران دارای منابع متعدد طبیعی و سرمایه عظیم انسانی است و کشور فقیری به شمار نمی‌رود. درنتیجه وضعیت زندگی مردم ثروتمندی مانند ایران نباید چنین باشد که به‌سختی دغدغه‌های معیشتی خود را مرتفع کنند. نکته دیگر اینکه برای همه ما اثبات‌شده که برخی از مدیران توانایی مدیریت ندارند و نباید در چرخه مدیریت کشور حضور داشته باشند. این‌گونه مدیران تنها به منابع فردی خود فکر می‌کنند و منافع ملی را فدای منافع فردی می‌کنند. با این‌وجود همچنان مشاهده می‌کنیم برخی از این مدیران در جایگاه خود باقی‌مانده‌اند. من همواره دغدغه‌هایی که مطرح می‌کنم به دلیل دلسوزی و از سر خیرخواهی است. نباید اقداماتی صورت بگیرد که کشورهای دیگر ایران را به‌عنوان دشمن خود قلمداد کنند و از آن هراس داشته باشند. این وضعیت هم در منطقه و هم در عرصه بین‌المللی باید مورد توجه قرار بگیرد. زمینه برای دولت فراهم است که در این رویه تغییر ایجاد کند و درمسیری حرکت کند که درنهایت به سود منافع ملی تمام شود.

> افرادی مانند آقایان لاریجانی، جهانگیری و پزشکیان و بسیاری از کسانی که در انتخابات مجلس کاندیدا شده بودند سربازان جمهوری اسلامی بودند و در گذشته منشأ خدمات زیادی برای کشور بوده‌اند. به همین دلیل یکی از اتفاقاتی که می‌تواند شرایط را تغییر بدهد به وجود آوردن زمینه برگزاری یک انتخابات با مشارکت بالای مردم است

با توجه به شرایط موجود و چالش‌های داخلی و بیرونی که کشور با آن مواجه است چه راهکاری برای عبور از این چالش‌ها پیشنهاد می‌کنید؟

مصلحت امروز ایران این است که کشور به صورت همزمان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با غرب و شرق در ارتباط باشد. این موضوع می‌تواند بسیاری از چالش‌های ما را از بین ببرد. نکته دیگر این است که برجام به سرانجام برسد و از مواهب برجام به سود بهبود زندگی مردم استفاده کرد. بدون تردید اگر مسئولان جمهوری اسلامی برجام را بپذیرند می‌تواند تا حدود زیادی مشکلات کشور را حل کند و به همین دلیل شرایط برای عبور از بحران کنونی کشور فراهم شود. نکته دیگر اینکه باید همه جریان‌ها و نیروهای فکری و سیاسی در انتخابات نماینده داشته باشند. متأسفانه رویه‌ای که نهادهای نظارتی در سال‌های اخیر در پیش گرفته‌اند باعث شده که برخی از نیروهای متخصص و متعهد نظام فرصت برای حضور در چرخه مدیریت کشور را از دست بدهند. بسیاری از این افراد سرباز جمهوری اسلامی بوده‌اند که به دلایل نامشخص رد صلاحیت شده‌اند. افرادی مانند آقایان لاریجانی، جهانگیری و پزشکیان و بسیاری از کسانی که در انتخابات مجلس کاندیدا شده بودند سربازان جمهوری اسلامی بودند و در گذشته منشأ خدمات زیادی برای کشور بوده‌اند. به همین دلیل یکی از اتفاقاتی که می‌تواند شرایط را تغییر بدهد به وجود آوردن زمینه برگزاری یک انتخابات با مشارکت بالای مردم است. آرمان اصلی انقلاب اسلامی و توصیه‌های حضرت امام همواره انتخاب و مشارکت مردم بوده و بارها به این نکته تأکید شده است. راهی به جز دادن حق انتخاب و شکل گیری یک مجلس قوی و منتخب اکثریت مردم وجود ندارد. آیا مجلسی که امروز شکل گرفته در راستای مطالبات اصلی مردم حرکت می‌کند و دارای توانایی و کارآمدی لازم است؟ باید از نمایندگانی که در مجلس حضور دارند این سوال را پرسید که در طول دوران نمایندگی خود به چه میزان مشکلات اساسی مردم را کاهش داده‌اند و چه برنامه‌ای برای حل مشکلات داشته‌اند؟ واقعیت این است که شرایط انتخابات مجلس یازدهم به صورتی رقم خورد که مردم نتوانستند نمایندگان واقعی خود را به مجلس بفرستند. رد صلاحیت‌هایی که در این زمینه صورت گرفت چنین اجازه‌ای را به مردم نداد. با این وجود اصلاح‌طلبان باید اصلاح‌طلبی و مطالبه‌گری کنند و این موضوع باید در دستور کار اصلاح‌طلبان قرار داشته باشد. اصلاح‌طلبان باید در مسیری گام بردارند که مورد درخواست مردم است.

> واقعیت این است که اصلاح‌طلبی به معنای متداول دیگر از بین رفته است. اصلاح‌طلبی به معنای اینکه در جامعه دارای پایگاه بودند و می‌توانستند در مناسبات قدرت تأثیرگذار باشند دیگر معنای خود را از دست داده و این پایگاه از بین رفته است. اینکه فکر کنیم مردم دیگر به حرف اصلاح‌طلبان گوش می‌دهند منتفی است و با واقعیت‌های موجود در جامعه همخوانی ندارد

یادداشت

مبانی مشروط بودن قوانین

کوروش الماسی
محقق و پژوهشگر

برخی دلسوزان در عرصه‌های گوناگون به ویژه مدیریت کلان سیاسی پیوسته تلاش کرده و می‌کنند تا راهکارهایی برای مدیریت انواع چالش‌ها تدبیر کنند. اما به دلایلی نامعلوم این تلاش‌ها بعضا دستاوردهای عینی نداشته است. در این موجز تلاش می‌شود تا نکاتی کلی و مختصر پیرامون یکی از موانع اصلی ناموفق بودن این تلاش‌ها ارائه شود. برخی، صرف نظر از دستاوردها و نظر افکار عمومی، عملکرد و جایگاه خود را با استناد به قانون(نظم حقوقی) توجیه می‌کنند. به عنوان مثال، برخی مدیران بی‌توجه به شرایط معیشت شهروندان، وضعیت نابسامان اقتصادی، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و... با تکیه بر جایگاه حقوقی خود پیوسته بر اظهار نظرها، راهکارها و سیاست‌های بعضا ناکارآمد خود اصرار می‌ورزند. شاید حصول درک مشترک پیرامون چیستی و کارکرد قانون(نظم حقوقی) بستری کاربردی برای ارزیابی و تغییر رفتار برخی مدیران باشد. قانون؛ به کاربردی‌ترین بیان معطوف به ایجاد نظم از طریق هماهنگ کردن رفتار تعدادی عناصر، اجزاء و پدیده‌ها (از هر نوعی) به منظور تحقق یک(تعدادی) هدف خاص و از پیش تعیین شده است. بنابراین، کارکرد قانون معطوف به سازوکار اجرایی تحقق یک هدف به منظور تحقق برخی نیازهاست. اگر تعریف کلی و کاربردی فوق، منطقی تلقی شود، آنگاه، وظیفه قانون تحقق هدف(اهداف) از طریق ایجاد نظم و هماهنگی میان برخی عناصر است. بیان چند مثال، چیستی و کارکرد قانون (قوانین) را قابل درک‌تر می‌کند. تابلوی راهنمایی و رانندگی از رانندگان می‌خواهد که در یک خیابان خاص ۶۰ کیلومتر برانند. به بیانی کلی، تابلو به ما می‌گوید در صورتی که در این خیابان ۶۰ کیلومتر برانیم، هم از سلامت خود و هم از سلامت دیگران صیانت می‌کنیم. شرایطی را در نظر بگیرید که رانندگان از قانون ۶۰ کیلومتر تبعیت می‌کنند، اما پیوسته تصادفاتی رخ می‌دهد که هم به خود راننده و هم به دیگران آسیب وارد می‌شود. «اگر با وجود تصادفات منجر به آسیب‌های جانی و مالی برای رانندگان و دیگران، متولیان راهنمایی و رانندگی از رانندگان بخواهد از قانون ۶۰ کیلومتر تبعیت کنند، آنگاه، رفتار منطقی، مطلوب و کاربردی شهروندان(رانندگان) در قبال درخواست یا الزام راهنمایی و رانندگی چیست؟» آیا رانندگان باید از قانون ۶۰ کیلومتر در ساعت، تبعیت یا سرپیچی کنند؟ به عبارتی، مبنای تصمیم و قضاوت انسان‌ها در برابر شرایط مخاطره آمیز، آسیب‌زا، نامطلوب و... چیست؟ یا اقشار گوناگون، جوانان بیکار، کولبرها، کودکان، سوخت‌برها و... که زیستی سختی را می‌گذرانند و... در قبال انواع قوانین چه نظری باید داشته باشند؟ در راستای ایجاد آرامش اجتماعی و مدیریت عقلانی، بسیار کاربردی است که درک کنیم و بپذیریم که رابطه قوانین و رفتار شهروندان، رابطه‌ای دوسویه، بدین معنی که اعتبار قوانین مشروط به تامین انواع نیازهای شهروندان است. بنابراین، رفتار شهروندان در قبال قوانینی که نیازهای ابتدایی و گوناگون آنها را تامین نکند، کاملا طبیعی، منطقی و کاربردی است. به عبارتی تبعیت از قوانین تابع کارکرد یا سودمند بودن قوانین است. به عنوان مثال، معنی و کارکرد قوانین برای زباله‌گردها، کولبرها، سوخت‌برها، افرادی که به واسطه نیاز مالی اجزای بدن خود را می‌فروشند، خانواده‌هایی که به‌خاطر شرایط اقتصادی بد فرومی‌پاشند و...، چیست؟ آیا خطاست اگر گفته شود که نظر شهروندان(انسان ها) نسبت به قوانین، که برآیند کیفیت زیست عینی است، تنها و کاربردی‌ترین سنگ محک به منظور اعتبار سنجی قوانین اجتماعی است اگر تبیین و استدلال فوق پیرامون مبانی قوانین، کاربردی و منطقی تلقی شود، آنگاه، باید نتیجه گیری شود که «مبانی توجیهی» انواع و انبوه اظهارنظرها و عملکرها در عرصه مدیریت کلان سیاسی، نه قوانین بلکه افکار عمومی که برآیند کیفیت زیست عینی است، است. به بیانی کاربردی، فقر گسترده و ناامیدی و نه «جایگاه حقوقی»، معیار کاربردی برای ارزیابی عملکرد و انبوه اظهار نظرهای عناصر ساختار مدیریت کلان سیاسی است. از آنجا که قوانین اجتماعی ذاتا شرطی هستند، برای تبعیت شهروندان در برابر قانون، لازم است که مدیریت کلان سیاسی نیازهای ابتدایی شهروندان را محقق کند.

دریچه

هانی‌زاده:

چین به ایران جفا کرد

یک کارشناس مسائل بین‌الملل گفت: عربستان در نزدیکی به چین رویکرد تاکتیکی دارد و بعد از اینکه چین را از ایران جدا کرد، رابطه خود را با چین قطع می‌کند. حسن هانی‌زاده با اشاره به سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان و قطر و گسترش روابط اقتصادی و تجاری این کشور با کشورهای عربی منطقه و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس گفت: سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان برآیند چند اتفاق در منطقه است؛ تهدیدات امنیتی تایوان به چین، کمک نظامی آمریکا به تایوان، تلاش آمریکا برای شبیه سازی حوادث اوکراین در تایوان. با توجه به انزوای سیاسی و نظامی چین، این کشور قصد دارد به نوعی از این شرایط خارج شود از این رو در سفر به عربستان ۲۵ توافق همکاری اقتصادی و انرژی با عربستان امضا شد. وی ادامه داد: همچنین دیدار رئیس‌جمهور چین با رهبران کشورهای عربی از جمله حوزه خلیج فارس نشان می‌دهد که چین یک برنامه فراگیر برای صادرات کالاهای خود به کشورهای اسلامی و عربی در نظر گرفته است، اما این تلاش و هدف با مخالفت آمریکا مواجه می‌شود. آمریکایی‌ها اجازه نمی‌دهند چین به بازار بخش مهمی از جهان در آفریقا و آسیا دست یابد. این کارشناس مسائل منطقه اظهار کرد: معتقدم از نظر آمریکایی‌ها اقدام چین در گسترش روابط با کشورهای عربی منطقه، یک اشتباه راهبردی تلقی می‌شود. چین در حوزه شانگهای فعال است و کشورهای عضو شانگهای هم تاثیر اقتصادی بالایی در منطقه و جهان دارند، اینکه چین از عربستان به جهان عرب و اسلام نفوذ کند مورد پسند و رضایت آمریکا نخواهد بود و حتما برای مقابله آن برنامه دارد. هانی‌زاده درباره نتایج سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان و تاثیر توافقات دو کشور بر ایران گفت: محمد بن سلمان سعی می‌کند چین را از ایران جدا کند و از نفوذ چین در شورای امنیت و در جهان استفاده کند. وی افزود: انتظار نمی‌رفت چینی‌ها به سرعت به سمت عربستان که رقیب جدی ایران در منطقه است بروند و آغوش خود را به سمت عربستان باز کنند.

فرارو

بررسی روابط ایران با کشورهای اروپای شرقی

بالکان؛ دروازه ورود کالاهای ایرانی به اروپا؟

در ادامه سیاست‌های اقتصادی دستگاه دیپلماسی و معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه، باید سمت و سوی فعالیت‌ها و تمرکزها به سمت حوزه بالکان تمایل یابد تا روابط خوب اقتصادی ایران و کشورهای اروپای شرقی و بالکان بیش از پیش ارتقا یابد. به نظر می‌رسد سیاست خارجی جمهوری اسلامی به خصوص در دولت سیزدهم در راستای سیاست خارجی متوازن به دنبال ارتقای روابط با کشورهای حوزه بالکان است. این سیاست این سوال را در ذهن متصور می‌کند که آیا کشورهای حوزه بالکان می‌توانند دروازه ورود کالاهای ایرانی به اروپا باشند؟ سوالی که حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه کشورمان در سفر منطقه‌ای اخیرش به دو کشور صربستان و بوسنی و هرزگوین به آن پاسخ داد و از توافق و تلاش‌ها برای ارتقای روابط با این کشورها برای ورود کالاهای ایرانی به اروپا خبر داد. اگرچه در نگاه اول کشورهای حوزه بالکان جذابیت‌های دیگر اعضای اتحادیه اروپا را برای ایرانیان ندارند، اما این کشورها می‌توانند پایگاه و پلی مناسب برای تجار و شرکت‌های ایرانی با اروپا باشند. ساختارهای مالی و حقوقی مستقل‌تر و ارتباطات تجاری بین کشورهای بالکان و اروپایی می‌توانند راهکارهای مناسبی را مقابل شرکت‌ها و سرمایه‌داران ایرانی قرار دهند. موقعیت و شرایط کنونی کشورهای حوزه بالکان می‌تواند فرصت‌های تجاری مناسبی را برای شرکت‌های ایرانی فراهم سازد؛ فرصت‌هایی که اخیرا در سفر حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه کشورمان به دو کشور صربستان و بوسنی و هرزگوین مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. وزیر خارجه کشورمان روز یکشنبه ۱۲ آذرماه راهی صربستان شد و بلافاصله پس از ورود با وزیر خارجه این کشور دیدار و گفت‌وگو کرد. وی پس از این دیدار اعلام کرد: با توجه به سابقه تاریخی روابط ایران با حوزه بالکان دست دوستی به سوی همه کشورهای این منطقه دراز می‌کنیم و در حوزه همکاری اقتصادی و انرژی کماکان آمادگی داریم سند بین دو کشور امضا شود. وزیر امور خارجه کشورمان با اشاره به حجم مبادلات تجاری بین دو کشور، ظرفیت ارتقای همکاری‌ها در حوزه تجارت بین دو کشور را بسیار بالاتر از وضعیت جاری دانست و تلاش بیشتر دو کشور برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های روابط در این حوزه را مورد تاکید قرار داد. وی با اشاره به افزایش ۵۰ درصدی حجم تبادلات اقتصادی در یک سال گذشته یادآور شد که در جریان دیدارهایش در صربستان راه‌های توسعه بیشتر تجاری و اقتصادی را مورد بررسی قرار خواهند داد و اعلام آمادگی کرد که شانزدهمین دور کمیسیون مشترک دو کشور در آینده نزدیک برگزار شود. به گفته رشید حسن‌پور، سفیر ایران در صربستان در گفت‌وگو با ایسنا تاکنون ۱۵ سند همکاری بین ایران و صربستان جهت امضا در تهران تهیه شده و تا زمان انجام سفر رئیس‌جمهور این کشور به ایران که احتمالا تا قبل از پایان سالجاری و عید نوروز انجام خواهد شد، ممکن است تعداد این اسناد افزایش یابد. سفیر ایران در بلگراد با تاکید بر اینکه «در این سفر اراده سیاسی دو کشور برای توسعه و تعمیق روابط یک بار دیگر به نمایش درآمد» خاطرنشان کرد: طرفین تصمیمات و عزم جدی خودشان را برای اینکه روابط را در همه جوانب از جمله سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ورزشی، کشاورزی، آموزشی، دانشگاهی توسعه دهند، اعلام کردند. وی در پاسخ به اینکه آیا صربستان می‌تواند دروازه ورود کالاهای ایرانی به اروپا باشد؟ گفت: هم ایران می‌تواند به عنوان هاب منطقه‌ای برای صربستان باشد هم صربستان می‌تواند هاب ایران در حوزه بالکان باشد و در این سفر نیز بارها طرفین بر ظرفیت‌های دو کشور برای خدمت به یکدیگر تاکید کردند. ایویتسا داچیچ، وزیر خارجه صربستان نیز پس از دیدار با وزیر خارجه کشورمان با اشاره به هشتادوپنجمین سالگرد برقراری روابط ایران و صربستان، آن را گواهی بر سنت بسیار طولانی روابط دو کشور دانست و تاکید کرد: روابط دو کشور در سطح بسیار عالی قرار دارد و عزم قاطع داریم این روابط همه جانبه را توسعه دهیم. که در راستای سفر منطقه‌ای به حوزه بالکان انجام شد، حسین امیرعبداللهیان در پاسخ به سوال ایسنا مبنی بر اینکه آیا حوزه بالکان می‌تواند دروازه ورود کالاهای ایرانی به اروپا باشد؟ گفت: در همین چارچوب همکاری‌هایمان جریان دارد و توافق کردیم که این مسیر را ارتقا دهیم. از آنجا که برخی از کشورهای حوزه بالکان هم‌اینک عضو اتحادیه اروپا محسوب می‌شوند و برخی از آنها در حال طی کردن این روند هستند و برخی دیگر هنوز عضو این اتحادیه نشده‌اند، شاید تصور غلطی که وجود داشته این بوده که چون این کشورها عضو اتحادیه اروپا شده‌اند، موضع‌شان صد درصد شبیه مواضع برخی از اعضای این اتحادیه است در حالی که هرچند کشورها مجبور به تبعیت در سیاست‌ها و تصمیمات کلان هستند، اما همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در عرصه سیاست خارجی شبیه به یکدیگر نیستند و این مساله نباید موجب پیگیری نکردن توسعه روابط با کشورهای این حوزه شود.